

سال‌نمای امنیت ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
تحولات راهبردی ۱۳۹۱  
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



## تهدیدات نظامی

### مقدمه

تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب طیف وسیعی از کنش‌های کلامی خصمانه تا اقدامات نظامی محدود و گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آنها قابل بررسی است. در سال‌های اخیر، آنها به شکل عملیات روانی، جمع‌آوری و کنترل اطلاعاتی، جلوگیری از افزایش قابلیت‌های نظامی ایران (تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران)، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در مناطق پیرامونی ایران (کاهش توان بازدارندگی ایران)، برگزاری رزمایش‌های مشترک (کسب آمادگی و نمایش قدرت) و انجام خراب‌کاری در مراکز هسته‌ای و نظامی ایران و تهدید به حمله نظامی علیه مراکز هسته‌ای و نظامی ایران بروز یافته و به تشدید تنش میان ایران و آمریکا و متحد منطقه‌ای آن اسرائیل منجر شده است. این تهدیدات کلامی و عملی به عللی در سطح محدود باقی‌مانده است. با وجود این، شدت تهدیدات در طول سال یکسان نبوده و فراز و فرودهای درخور توجهی داشت. در زیر، با اشاره به رویدادهای برجسته نظامی در طول سال ۱۳۹۱ روند تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران کوتاه بررسی و تصویری از آن ارائه می‌شود.

### برآورد تهدیدات نظامی

تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران عمدتاً از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد و کشورهای دیگر نقش تسهیل کننده یا بازدارنده دارند. تهدیدات نظامی به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام می‌شود و به تناسب فضای حاکم بر مناسبات ایران و غرب و روند اختلافات در این باره کاهش یا افزایش می‌یابد. این تهدیدات تابعی از برداشت زمامداران آمریکا و رژیم صهیونیستی از توان هسته‌ای ایران و زمان دستیابی این کشور به فناوری هسته‌ای،

شکست مذاکرات هسته‌ای  
ایران و گروه ۵+۱ در  
مسکو، تهدیدات نظامی  
هماهنگ آمریکا و اسرائیل  
را علیه جمهوری اسلامی  
ایران در ماه‌های تیر و  
مرداد به دنبال داشت

قدرت بازدارندگی آن، نتایج و هزینه‌های اقدام نظامی علیه تهران در مقایسه با سایر گزینه‌ها و دستاوردهای آنهاست. تغییر در هر کدام از مؤلفه‌ها در روند تهدیدات نظامی و شیوه اقدام در این حوزه اثر می‌گذارد.

**تهدیدات محدود و تمهیدات گسترده:** در سال ۱۳۹۱، تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران به طور جدی، بعد از شکست سه دور مذاکرات در استانبول، بغداد و مسکو آغاز شد. در آغاز سال، این تهدیدات بسیار کم‌رنگ و به موارد کسب آمادگی و تمهیدات بلندمدت محدود می‌شد. تشکیل سازمان جدید اطلاعاتی در پنتاگون با تمرکز بر ایران و چین، تشکیل کمیته مشترک برای ایجاد سپر دفاع موشکی در خلیج فارس از سوی آمریکا و شش کشور حاشیه جنوبی، طرح دولت آمریکا برای خارج کردن سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از فهرست گروه‌های تروریستی از مهم‌ترین اقدامات آمریکا در سه ماه اول سال ۱۳۹۱ بود. تهدیدات کلامی آمریکا در حوزه نظامی بیشتر دیپلماتیک و با هدف تأثیرگذاری بر مذاکرات صورت می‌گرفت. وزیر دفاع آمریکا در خردادماه، در آستانه سومین دور مذاکرات هسته‌ای، گفت: «پنتاگون طرح آماده‌ای برای حمله نظامی به ایران دارد، اما آمریکا منتظر نتیجه راه‌حل دیپلماتیک می‌ماند. آمریکا برای جلوگیری از رسیدن ایران به سلاح‌های هسته‌ای هر کاری که لازم باشد انجام خواهد داد».

تهدیدات کلامی دولتمردان رژیم صهیونیستی زیاد بود. آنها می‌کوشیدند با تهدید به اقدام نظامی فضای مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ را تحت تأثیر قرار دهند، اما در این کار چنان افراط کردند که نه تنها تأثیر نداشت، بلکه سیاستشان به شدت مورد نقد و اعتراض دیگر سیاست‌مداران اسرائیل قرار گرفت. ایهود اولمرت، نخست‌وزیر پیشین این رژیم، گفت: «اینها [دولت نتانیاهاو] زیادی بلند حرف می‌زنند و با این کار فضا و تحرکاتی ایجاد کرده‌اند که ممکن است کنترل آن از دستشان خارج شود. در حال حاضر هیچ دلیلی برای به راه انداختن یک حمله نظامی وجود ندارد». فروکش کردن تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۱ کاملاً تحت تأثیر احیای مذاکرات هسته‌ای و بروز شکاف میان مقامات رژیم صهیونیستی در داخل و با مقامات آمریکا و اروپا در خارج درباره عقلانی بودن اقدام نظامی بود.

**تصاعد تهدید و تشدید شکاف:** شکست مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در مسکو آغاز تهدیدات نظامی هماهنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های تیر و مرداد است. در این دو ماه، راه‌حل دیپلماتیک به کنار گذاشته شد و تهدیدات علیه ایران به شدت افزایش یافت. رژیم صهیونیستی به بهانه این که گزینه دیپلماتیک بی‌نتیجه است، بر فشارهای بین‌المللی و داخلی خود علیه دولت اوباما افزود و در سایه مبارزات انتخاباتی، سیاست

اوباما را در برابر ایران نقد کرد. ادبیات دولتمردان آمریکا و رژیم صهیونیستی به هم نزدیک و گزینه نظامی در برابر ایران به سرعت پررنگ شد. دولت آمریکا به سرعت نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس تقویت کرد و به استقرار سامانه سپر دفاع موشکی در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس و ترکیه سرعت بیشتری داد. ارتش آمریکا موشک‌های کروزر بیشتری به پایگاه این کشور در بحرین منتقل کرد و گشت‌زنی هواپیماها و کشتی‌های جنگی آمریکا در منطقه افزایش یافت. آنها به شدت مراقب اطراف بودند و از هر چیزی هراس داشتند، به گونه‌ای که با هر گونه حرکت مشکوک برخورد می‌کردند. در یک مورد، نیروی دریایی آمریکا به یک فروند شناور کوچک اماراتی، که به هشدارهای کشتی آمریکایی توجه نکرده بود، شلیک کرد که در جریان آن، یک نفر جان خود را از دست داد و سه نفر مجروح شدند. موضوع بسته شدن تنگه هرمز، که از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰ طرح شد و براساس آن، ایران اعلام کرد که در صورت اعمال تحریم نفتی علیه ایران، اجرا خواهد شد، موجب افزایش تنش در منطقه شد. آمریکا ادعا کرد ایران در صدد حمله به سکوهای نفتی و نفت‌کش‌ها و اخلاف در بازارهای نفتی جهان است. کشتی‌های جنگی آمریکا، انگلستان و فرانسه به صورت هم‌زمان به خلیج فارس وارد شدند و وزیر دفاع آمریکا مدعی شد که این کشور قابلیت نظامی لازم برای مقابله با تلاش‌های ایران به منظور بستن تنگه هرمز را دارد. آمریکا تعداد مین جمع‌کن‌های خود را در منطقه به هشت فروند ناو افزایش داد و ضمن اعزام پایگاه دریایی متحرک موسوم به پونس به منطقه، جنگنده‌های اف ۲۲ و اف ۱۵ جداگانه‌ای را به منطقه اعزام و در پایگاه‌های منطقه خلیج فارس مستقر کرد. پنتاگون بمب بسیار قوی‌ای به وزن ۱۳ تن را به نمایش گذاشت که می‌توانست اهداف خود را در اعماق شصت متری زمین هدف قرار دهد و منهدم کند.

تهدید به اقدام نظامی علیه ایران در جوامع گوناگون جدی گرفته شد و دولت نتانیاهو با توزیع ماسک در میان مردم اسرائیل، بازسازی پناهگاه‌ها و برگزاری رزمایش‌های گوناگون نشان داد که به جنگ بیش از عملیات روانی و جنگ تبلیغاتی فکر می‌کند. رسانه‌های گروهی اعلام کردند که اسرائیل آماده آغاز بمباران سی روزه ایران است و رئیس سابق موساد نسبت به احتمال جنگ با ایران در دوازده هفته آینده هشدار داد. مردم اسرائیل نیز آن را جدی تلقی کردند و با برگزاری راهپیمایی و تجمع در برابر کاخ نخست وزیر، نگرارش مقالات و برپایی کمپین ضدجنگ در فضای مجازی مخالفت خود را با سیاست جنگ طلبانه نتانیاهو ابراز داشتند. هنوز از تهدیدات نظامی علیه ایران دو ماه نگذشته بود که آمریکا راه خود را از رژیم صهیونیستی جدا کرد. دولت اوباما، که درگیر مبارزات انتخاباتی بود، متوجه شد که اقدام نظامی علیه ایران بیش از اینکه تأمین‌کننده منافع آمریکا باشد، اقدامی پرمخاطره در دوره‌ای حساس است که می‌تواند به پیروزی رقیب در انتخابات آمریکا و شروع یک جنگ بی‌منطق و پرهزینه دیگر در خاورمیانه منجر شود. اوباما به دقت تغییر موضع داد و سیاست خود را

در پایان شهر یور، تهدید نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به تهدید نظامی یک‌جانبه رژیم صهیونیستی علیه ایران و تشدید تنش کلامی میان اسرائیل با دولت اوباما و برخی کشورهای اروپایی منجر شد

از دولت تندرو نتانیاهو جدا کرد. رفت و آمد مقامات ارشد آمریکا به اسرائیل برای بررسی موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و چگونگی مقابله با آن، بیشتر شد و تعارض منافع و برداشت آنها از تهدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تعارض در نحوه مقابله با تهدید انجامید. تفاوت اساسی در نگرش اسرائیل و آمریکا نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران به زمان تهدید بودگی این فعالیت‌ها و رسیدن به مرحله بحرانی یا به قول اسرائیلی‌ها، نقطه بی‌بازگشت برمی‌گردد. از نظر مقامات رژیم صهیونیستی، دستیابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم و برخورداری از تأسیسات هسته‌ای، تهدیدی بالقوه و همیشگی برای اسرائیل است و مناسب‌ترین گزینه برای آن، از بین بردن همه نوع توان ایران در حوزه هسته‌ای است.

امریکا، دستیابی ایران به غنی‌سازی اورانیوم را تهدیدی جدی علیه خود نمی‌داند؛ بنابراین، نمی‌خواهد با قبول هزینه‌های سنگین به اقدام نظامی دست بزند. آنها با طرح اینکه ایران هنوز برای رسیدن به سلاح هسته‌ای خیلی فاصله دارد بیان کردند که تأسیسات ایران را رصد می‌کنند و فعالیت‌های آن را زیر نظر دارند. بنابراین، از اقدام نظامی فوری خودداری می‌کنند. همچنین به اسرائیل نیز اعلام کردند: «هنوز باید به دیپلماسی با ایران وقت داد». نیویورک تایمز به شکل کنایه آمیزی نوشت: «حمله اسرائیل به ایران در آستانه انتخابات آمریکا موزیانه و نابخشودنی است». سیاست و راهبرد دولت اوباما از رژیم صهیونیستی جدا و شکاف میان دو کشور به مرحله بی‌سابقه‌ای رسید. تنش میان رژیم صهیونیستی و دولت اوباما افزایش یافت و آنها به یکدیگر را برخورد نادرست در برابر ایران متهم کردند. نخست‌وزیر اسرائیل از جامعه بین‌المللی خواست تا با ترسیم خط قرمز مشخص برای ایران از فعالیت‌های آن جلوگیری و به نحو قاطع با آن برخورد کند، اما وقتی با پاسخ منفی آمریکا روبه‌رو شد، اعلام کرد که اسرائیل در مورد ایران مستقل تصمیم می‌گیرد. اتحادیه اروپا به دولت نتانیاهو درباره حمله یک‌جانبه به ایران هشدار داد و هیلاری کلینتون، با اشاره به اظهارات بنیامین نتانیاهو، مبنی بر تعیین خط قرمز برای ایران، یادآور شد: «آمریکا برای ایران ضرب‌الاجل تعیین نمی‌کند و به دنبال مذاکره است که بهترین رویکرد برای بازداشتن تهران از توسعه تسلیحات هسته‌ای است».

به این ترتیب در پایان شهریور، تهدید نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به تهدید نظامی یک‌جانبه رژیم صهیونیستی علیه ایران و تشدید تنش کلامی میان اسرائیل با دولت اوباما و برخی کشورهای اروپایی منجر شد. با وجود این، دولت آمریکا پیوندهای خود را با رژیم صهیونیستی حفظ کرد و برای اطمینان‌دادن به این کشور همکاری‌های خود را در حوزه اقدامات خراب‌کارانه و کسب آمادگی برای مقابله با اقدامات احتمالی ایران افزایش داد. رزمایش نظامی بزرگ آمریکا با ۲۵ کشور از متحدانش به منظور کسب آمادگی برای مقابله با حملات موشکی طراحی و اجرا شد. این رزمایش عملاً برای مقابله با حملات موشکی ایران علیه منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل طراحی شده و تمرینی برای جلوگیری از مسدود شدن تنگه هرمز و دادن

این پیام به بازیگران منطقه‌ای بود که مقابله با تهدیدات جدی است. همچنین مقامات آمریکا با تأکید بر اینکه واشنگتن در قبال امنیت رژیم صهیونیستی و روابط دفاعی دوجانبه کاملاً متعهد است، ایجاد سامانه دفاع موشکی در ترکیه، قطر و اسرائیل را در دستور کار قرار دادند و بخشی از آن را عملیاتی کردند. آنها می‌کوشند از طریق ایجاد سپر دفاع موشکی ضمن بی‌اثر کردن توان موشکی ایران، پیوندهای بیشتری میان رژیم صهیونیستی با کشورها منطقه ایجاد کنند.

**نمایش قدرت و کاهش تهدیدات مستقیم:** در نیمه دوم سال ۱۳۹۱، دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در گیر مسائل و مشکلات داخلی شدند و شدت تهدیدات نظامی آنها علیه جمهوری اسلامی ایران کاهش یافت. در آمریکا، انتخابات به موضوع اصلی سپهر سیاسی این کشور تبدیل شد و غلبه گفتمان ضدجنگ مردم در این کشور موجب تعدیل مواضع جمهوری خواهان و در نهایت، پیروزی اوباما در دوره دوم شد که تمایل بیشتری به گزینه دیپلماتیک دارد. تشکیل کابینه جدید و انتخاب کارگزاران میانه‌رو برای وزارت خارجه و دفاع این کشور تمایلات جنگ طلبانه کاخ سفید را بیش از پیش کاهش داد. مذاکره دوجانبه با ایران به شکل جدی مطرح و گمانه‌زنی در این باره به موضوع داغ رسانه‌های گروهی و مراکز فکری تبدیل شد. در اسرائیل نیز تهدیدات نظامی کم‌رنگ و دولت به شدت درگیر مسائل سیاسی داخلی و محیط پیرامونی خود بود و به رغم اینکه آنها همچنان، به بزرگ‌نمایی تهدید ایران می‌پرداختند، شکاف بزرگی میان دولتمردان این رژیم پدید آمد و عملاً، موضوع به انتخابات و تشکیل دولت جدید محول شد.

در ایران، روند تحولات بیشتر به سمت کسب آمادگی نظامی و نمایش قدرت بود و چندین رزمایش گسترده و محدود اجرا شد که تعداد آنها در نیمه دوم سال بیشتر بود؛ موضوعی که نشان‌دهنده قدرت نظامی و تمرینی برای کسب آمادگی بیشتر برای جنگ واقعی است. در همین حال، برگزاری رزمایش نظامی شاخصی برای سنجش میزان تنش در مناسبات کشورها به شمار می‌آید. سلسله رزمایش‌های پیامبر اعظم (ص)، که در پنج سال گذشته از سوی نیروهای مسلح کشور برگزار شده است، امسال وارد مرحله جدید شد. رزمایش پیامبر اعظم ۷ هم‌زمان با آغاز تحریم‌های وسیع اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران و تشدید تنش در مناسبات ایران و غرب، در تیر ماه، رزمایش دفاع از حریم آسمان ولایت در پایان شهریور، رزمایش مدافعان آسمان ولایت در آبان ۱۳۹۱، رزمایش ولایت ۹۱ در دی، رزمایش منطقه‌ای ندسا با عنوان فتح ۹۱ در بهمن و رزمایش پیامبر اعظم ۸ در آستانه مذاکرات هسته‌ای در آلماتی در اوایل اسفند برگزار شدند. علاوه بر رزمایش‌های نظامی، در سال ۱۳۹۱، وقوع جنگ غزه بین حماس و رژیم صهیونیستی، به شکل محدود نمادی از توان موشکی ایران در برابر رژیم صهیونیستی بود، به طوری که آنها ضعیف‌ها و قوت‌های این جنگ را در نظر دارند و در پی استفاده از تجربیات آن هستند.

امریکا، دستیابی ایران  
به غنی‌سازی اورانیوم  
را تهدیدی جدی  
علیه خود نمی‌داند؛  
بنابراین، نمی‌خواهد  
با قبول هزینه‌های  
سنگین به اقدام  
نظامی دست بزند

در سال آینده، تهدیدات غیرمستقیم بیش از تهدید مستقیم بر توان نظامی ایران مؤثر خواهد بود. کاهش درآمدهای نفتی و جلوگیری از دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، بر توان نظامی و تسلیحاتی ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت

به طور کلی، بررسی روند تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و تحولات سیاسی در اسرائیل، آمریکا و کشورهای منطقه از یک‌سو و روند تحولات در ایران و فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی دیگر نشان می‌دهد که روند تحولات فراز و فرودهای زیادی داشته و شکل تهدیدات نظامی تغییر کرده است. تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۹۱، به شدت کاهش یافت. بعد از شکست مذاکرات هسته‌ای و آغاز عملی تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تنش میان تهران و واشنگتن افزایش یافت و تهدیدات نظامی در قالب عملیات روانی و حمله نظامی احتمالی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی شدت گرفت. آنها تحرکات و تمهیدات نظامی درخور توجهی را برای عملیاتی کردن حمله احتمالی انجام دادند. آمادگی نظامی خود را با انجام شناسایی‌های هوایی و ماهواره‌ای، و برگزاری رزمایش‌های ملی و بین‌المللی افزایش دادند و کوشیدند با استقرار سامانه‌های سپر دفاع موشکی در ترکیه، اسرائیل و خلیج فارس آسیب‌پذیری‌های خود را از بین ببرند و توان نظامی و قدرت بازدارندگی ایران را محدود کنند. تصاعد تنش نظامی با ایران به تشدید اختلاف میان آمریکا و رژیم صهیونیستی و جدایی آنها در پایان شهریور شد. هرچند در نیمه دوم سال، روند تهدیدات نظامی مستقیم آنها علیه ایران افت کرد، تمهیداتشان برای حفظ آمادگی نظامی و در نتیجه، حفظ اعتبارشان در میز مذاکرات تداوم یافت. فروش سلاح، استقرار سامانه‌های سپر دفاع موشکی در منطقه، بازبینی و بازسازی سپر دفاع موشکی رژیم صهیونیستی، انجام رزمایش‌های نظامی، مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران و جلوگیری از دسترسی آن به فناوری‌های پیشرفته به موازات تأکید بر مذاکره و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و بین‌المللی اقداماتی است که آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر ایران انجام داده‌اند. پایان بی‌نتیجه مذاکرات در آلماتی می‌تواند موجب بازگشت موج دیگر تهدیدات نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران باشد. معرفی چاک هیگل به سمت وزیر دفاع و جان کری به سمت وزیر خارجه آمریکا نشان‌دهنده کاهش تمایل این کشور به درگیری نظامی با ایران است و احتمال دارد آنها در این مسیر همسویی کمتری با رژیم صهیونیستی داشته باشند؛ موضوعی که خود به خود، موجب کم‌رنگ شدن تهدیدات نظامی مستقیم می‌شود، اما تأثیری در تهدیدات غیرمستقیم ندارد. بروز رویدادهای ناخواسته منطقه‌ای یا تحول اساسی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مذاکرات با گروه ۵+۱ می‌تواند این روند را دگرگون کند.

### برآورد مقایسه‌ای

بررسی و مقایسه روند تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در دو سال گذشته، نشان‌دهنده تداوم برخی تهدیدات نظامی و بروز فراز و فرودهای درخور توجه در برخی دیگر است که در زیر هر کدام از آنها به اجمال طرح می‌شود:

• تهدیدات نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در فصل تابستان ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل به شدت افزایش یافت، اما در نیمه دوم سال، به وضعیت قبلی برگشت و حتی نسبت به سال قبل کمتر نیز شد.

• نمایش قدرت نظامی دو طرف در قالب برگزاری رزمایش‌های نظامی، بروز جنگ غزه، تلاش برای کاهش قدرت نظامی و بازدارندگی تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

• موازنه قدرت ایران در برابر رژیم صهیونیستی از دو سو تقویت و از یک بُعد تضعیف شده است. توان موشکی ایران به رغم شهادت پدر موشکی ایران در سال ۱۳۹۰، آشکارتر و با پرتاب هم‌زمان موشک‌های شهاب در رزمایش پیامبر اعظم ۷ و پرتاب موشک‌های ایرانی در جنگ غزه قدرت بازدارندگی آن افزایش یافته است. استقرار سامانه‌های سپر دفاع موشکی در منطقه و تلاش برای رفع ایرادات گنبد آهنین مؤلفه‌هایی‌اند که می‌توانند قدرت بازدارندگی نظامی ایران را کاهش دهند.

• با وجود استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه، تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم این سازمان نظامی در سال ۱۳۹۱ به دلیل تداوم بحران اقتصادی در اروپا، روند تحولات خارومیانه و کاهش تمایل به مداخله نظامی در منطقه، نسبت به سال قبل کمتر شده است.

• در اختیار گرفتن هواپیمای بدون سرنشین پیشرفته آمریکا در سال ۱۳۹۰ به شکل دیگری در سال ۱۳۹۱ ادامه یافت. هواپیمای قبلی رمزگشایی شد و هواپیمای دیگری که کمتر پیشرفته است، کنترل و بر زمین نشانده شد. در همین حال، سپاه پهپادهای خود را عملیاتی و در رزمایش‌های برگزارشده از آنها استفاده کرد و به صورت غیرمستقیم، پرواز آنها بر فراز اسرائیل صورت گرفت که نشان‌دهنده پیشرفت‌های ایران در حوزه فناوری نظامی روز است.

• خریدهای تسلیحاتی کشورهای پیرامونی ایران امسال نیز همانند سال‌های قبل ادامه داشت و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بیشترین خرید تسلیحاتی را داشتند. در سال ۱۳۹۱، ترکیه در سایه رشد صنعتی سال‌های اخیر و با مشارکت بخش خصوصی، گام‌های بزرگی را در ساخت جنگ‌افزارها برداشته است که نشان‌دهنده توانمندی این کشور و رویکرد جدید آن در حوزه تولید سلاح و جنگ‌افزارهاست و در بلندمدت می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را به هم زند.

## چشم‌انداز

بررسی روندهای نظامی و امنیتی در دو سال گذشته نشان‌دهنده آن است که تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران رو به افزایش است. دلیل تصاعد تهدید از یک‌سو، تمهیدات آمریکا و کشورهای پیرامونی ایران برای افزایش قدرت نظامی و بازدارندگی خود و از سوی دیگر، کاهش آسیب‌پذیری‌های آنها در برابر اقدامات احتمالی ایران است. فراز و فرود تهدیدات نظامی در سال ۱۳۹۱ عمدتاً متأثر از موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛



مناسبات دوجانبه تهران و واشنگتن؛ تحولات داخلی ایران، آمریکا و اسرائیل؛ مناسبات آمریکا با رژیم صهیونیستی؛ روند تحولات در منطقه، به‌ویژه سوریه و مناسبات قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت و وضعیت اقتصادی جهان است. تغییر در روند فعلی در هر یک از حوزه‌ها می‌تواند تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی را علیه ایران افزایش یا کاهش دهد.

تحولات داخلی در آمریکا نشان‌دهنده گرایش دولتمردان این کشور به گزینه دیپلماسی و تحریم است و تهدیدات نظامی آنها علیه ایران به شکل فراهم آوردن تمهیدات لازم برای کسب آمادگی بیشتر، تقویت اعتبار پیام‌ها و کاهش توان نظامی ایران خواهد بود. برای اوباما خروج از رکود اقتصادی در داخل و خارج کردن نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان در اولویت اول است و این وضعیت اجازه اقدام نظامی جدید را نمی‌دهد. تمایل ایران و گروه ۱+۵ به مذاکره به رغم اختلاف فاحش در مواضع آنها گویای این واقعیت است که دیپلماسی گزینه مناسب‌تری برای هر یک از دو طرف است. تشدید تحریم‌های یک‌جانبه از سوی غرب و غنی‌سازی اورانیوم در داخل از سوی ایران، به موازات تلاش آنها برای کسب آمادگی نظامی روندهایی‌اند که به احتمال زیاد، با شیب رو به تصاعد در سال آینده ادامه خواهد یافت.

در صورت سقوط دولت اسد در سوریه، نفوذ سیاسی ایران در سوریه و لبنان کاهش خواهد یافت و توان بازدارندگی منطقه‌ای ایران آسیب خواهد دید. این وضعیت ممکن است گرایش رژیم صهیونیستی را به اقدام نظامی را اندکی تقویت کند، اما مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند به بروز جنگ بین ایران و اسرائیل منجر شود، میزان پیشرفت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. رسیدن به نقطه‌ای که رژیم صهیونیستی از آن با عنوان خط قرمز یا نقطه بی‌بازگشت یاد می‌کند، می‌تواند به افزایش تهدید نظامی و بروز درگیری نظامی از سوی رژیم صهیونیستی منجر شود. این موضوع با مناسبات آمریکا و اسرائیل هم ارتباط مستقیم دارد. بدتر شدن روابط به کاهش احتمال اقدام نظامی و هم‌سویی آنها در برداشت از تهدیدات هسته‌ای ایران منجر می‌شود، بنابراین با توجه به روند تحولات در سال ۱۳۹۱، احتمال اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران در سال آینده بسیار ضعیف است. خراب‌کاری در تأسیسات هسته‌ای ایران، کسب آمادگی نظامی بیشتر و جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی به همراه تهدید به اقدام نظامی به منظور وارد آوردن فشار به آمریکا و کشورهای اروپایی برای اعمال تحریم‌های بیشتر و شدیدتر علیه ایران از جمله سیاست‌های رژیم صهیونیستی خواهد بود.

در سال آینده، تهدیدات غیرمستقیم بیش از تهدید مستقیم بر توان نظامی ایران مؤثر خواهد بود. کاهش درآمدهای نفتی و جلوگیری از دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، بر توان نظامی و تسلیحاتی ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت. فرصت‌های زیاد کشورهای منطقه در دستیابی به توان مالی، بازارهای تسلیحاتی و درباره ترکیه توان علمی و صنعتی سودآور، می‌توانند موازنه قدرت نظامی را به ضرر ایران تغییر دهند.